

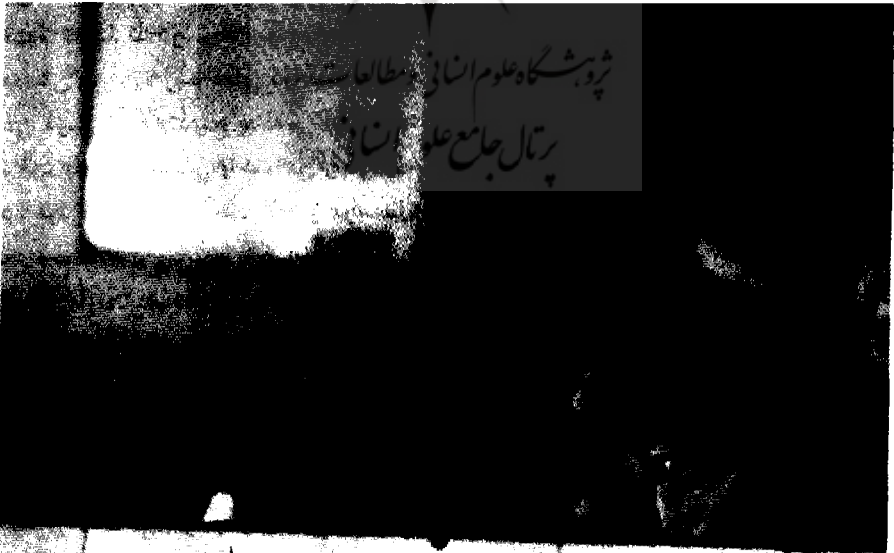
# تعلیم و تربیت

نیروی درونی شروع به کار کند تا با اراده دست و پا را حرکت دهد. این گونه تمرینات قبل از موقع فشار زیادی به اعضا تحمیل می کند. در مورد رشد فکری کودک هم باید منتظر بود تا آمادگی درونی حاصل شود و آنگاه به تعلیم و تربیت جدی پرداخت.

لازمه تعلیم و تربیت شناخت کودک است و یکی از راههای شناسائی برقراری رابطه است که در ارتباط با کودکانی که هنوز صحبت نمی کنند رابطه لفظی میسر نیست، لذا درک و فهم آنان مشکل تراست و باید بگوئیم تا کنون به درک همه حائیهی نرسیده ایم. از این رو باید از راههای دیگری به این آگاهی برسیم. مشاهده یکی از بهترین راههای فهمیدن کودک و در نتیجه ایجاد رابطه است. از طریق مشاهده تا حدودی می توان به دریافت کودک پی برد.

این همه تا کید بردرک کودک به این خاطر است که بدانیم هنگام رشد شخصیت چه روش

مناسب ترین زمان برای شروع تعلیم و تربیت کودک هنوز مشخص نشده است و به مانند مسائل پزشکی و بهداشتی به نتیجه قاطع و روشنی نرسیده اند، برخی پزشکان تمرینات ورزشی برای نوزادان تا یکسالگی توصیه کرده اند تا زمینی مناسبی برای تمرینات بیشتر در سالهای بعد فراهم شود. به عقیده من این کار اشتباه است چون ماهیچه ها خود بخود و بدون اراده به حرکت نمی آیند و برای حرکت دادن آنها باید





تربیتی مناسبتر است. این موضوع نه تنها در امر تعلیم و تربیت، بلکه در تاریخ بشر اهمیت اساسی دارد چرا که استباهات تربیتی و رفتاری که در زمان تشکیل شخصیت رخ می دهد به مراتب زیان آورتر از زمانی است که شخصیت طفل تا حدودی شکل گرفته است. طفلی که هنوز شخصیت ثابتی ندارد بسیار تاءثیر پذیر است و کوچکترین رفتار در فکر او نقش می بندد.

برخی از مذاهب می پذیرند که در طفل شخصیتی انسانی حضور دارد، مسیحیان کودک را غسل تعمید می دهند و بر این باورند که او دارای روح است و به این وسیله زندگی روانی او را به رسمیت می شناسند. با وجود این آنان فردیت نهفته بشری را در دورانی که در توسعه کلی شخصیت اهمیت اساسی دارد نادیده می گیرند. اشتباه برای فردی که شخصیت در حال توسعه و شکل گرفتن است خیلی بیشتر زیان آور است تا برای کسی که زندگی درونی اش به مرحله تکمیلی رسیده باشد.

مربیان تربیتی شخصیت طفل را تا چند سال اول تولد به مانند توده مومی تعریف می کنند که می توان آن را به هر شکلی درآورد خوب یا بد سالم یا ناسالم، بدبین یا خوش بین، شجاع یا ترسو، اجتماعی یا گوشه گیر، زرنگ یا تنبیل فعال یا کم تحرک، و خلاصه برحرف ناساکت. این تعریف تا آنجا که مربوط به عمل مربیان می شود صحیح است ولی حسیه دیگر یعنی خود کودک و نیروی درونی او در نظر گرفته نشده است. کودک در امر تربیت و یادگیری خودنقش مهمی دارد. او به توده مومی شخصیت خود شکل می دهد و والدین و مربیان می توانند نقش کمکی یا تخریبی داشته باشند. از این روست

که دو کودک در دو محیط تربیتی یکسان به دو گونه متفاوت عمل می کنند چرا که دو کودک مستقل هستند که نیروی درونی متفاوت دارند. و همین اختلاف نیروی درونی موجب اختلاف رفتار و کردار می شود. نقش والدین و مربیان با همه اهمیت که برای تعلیم و تربیت کودکان دارند نقش هدایت و راهنمایی و آماده کردن محیط می باشد.

چه بسا والدین و مربیانی که نه تنها کمکی به تشکیل منظم شخصیت کودک نمی کنند، بلکه نفسی را هم که کودک می خواهد سازد با مداخلات و استباهات خود از ریخت می اندازند به موم شخصیت کودک صدمه می زنند و به آن شکل بی قواره بی می دهند. بزرگسالانی که خود را در مقابل کودکان قادر مطلق می بینند با استباهات و مداخله مستقیم و غیر مستقیم خودشان به شخصیت کودک آسیب می رسانند.



چندان راحت نیست و مستلزم آن است کسه در مقابل وسوسه‌های طرز فکر قبلی مقاومت ورزیم و عادت دخالت زیاد در کار بچه‌ها را از سرمان بیرون کنیم .

مهمترین وظیفهٔ مری چه درگیر تربیت نوزاد باشد و چه اطفال بزرگتر این است که شخصیت بشری کودک را تشخیص دهد و به آن احترام بگذارد و به خواسته‌های منطقی او جواب مساعد دهد. مثلا کودکی که می‌خواهد همراه ما باشد و برای این منظور گریه می‌کند صحیح نیست که ما به بهانهٔ تربیت و جلوگیری از لوس شدن او را از خود برانیم. وقتی که ما غذایی - خوریم و کودک در اطاق دیگر گریه می‌کند و او را پیش خودمان نمی‌آوریم این وضع بی‌احترامی به کودک است. مثل اینکه مامهمان داشته‌باشیم و او را تنها گذاشته برویم اطاق دیگر و مشغول غذا خوردن بشویم .

همانطور که ما برای بزرگسالان احترام فائلیم و از حضور آنان خوشحال می‌شویم، به کودک

دربیشتر موارد بحای دستور دادن به کودک و مانع کار او شدن می‌توان با او صحبت کرد و با محبت او را به کاری تشویق کرد و با از کاری بازداشت .

مداخلهٔ بزرگترها اگر هشیارانه نباشد سازندگی شخصیت را که کاری بس ظریف و مشکل است مختل می‌کند .

بچه‌ها در برابر دخالت مقاومت نشان می‌دهند و اگر مداخلهٔ بزرگترها چیزی را خراب کند کودکان سعی می‌کنند آن را دوباره بسازند ولی اگر این عمل تکرار شود کودک مستاءصل می‌شود و حالت دفاعی را از دست می‌دهد، بصورت آدمی بی‌اراده و سست عنصر درمی‌آید .

این مطلب را باید در نظر داشت که سازندهٔ شخصیت کودک خود اوست. مریبیا یا بکارگرفتن هوش و فراست خود باید کودک را درجهست سازندگی یاری کنند و خودشان را در برابر بچه‌ها قادر مطلق ندانند. فهم این مطلب شاید به نظر ساده‌باید ولی بکار بردن این طرز تفکر

گوئی با نگاه می خواهد ارتباط او را با ورود به خانه پیدا کند. کودکان در سنین خیلی پائین طرز صحبت شاد و دوستانه را از حالت هسای خشم و دعوا تشخیص می دهند و اگر باحالت خشم با آنها حرف بزنید گریه می کنند. اینها نشانه‌هایی از درک و فهم کودک در ماههای اول زندگی است.

کودک چند ماهه‌ای را که جز شیر و غذاهای مخصوص کودک چیزی نمی خورد در مقابل نابلو میوه‌ای بردند. او درحالی که به نابلو نگاه می کرد به تقلید خوردن، لب و دهانش را به حرکت درآورد. او بزرگترها را هنگام خوردن دیده بود و از خوردن و چیزهای خورده شدنی درکی پیدا کرده بود. کودک دیگری در مقابل نابلوی گل بینی اش را به نشانهٔ — کردن بالا کشید زیرا قبلا گل را دیده و به او گفته شده بود که گل بوی خوب دارد. این آزمایش دلیل دیگری بر آنستکه کودک ارتباط بین چیزها



را درک می کند. اغلب کودکان گلها و حیوانات را دوست دارند چون آنها واقعی اند و کسودک  
 ★ لطفاً " ورق بزنید

هم باید علاقه نشان دهیم و به خواسته‌های او بی اعتنایی نکنیم، برخی عقیده دارند که ساعات غذا خوردن و رژیم غذایی کودک با خودش متفاوت است و به این منظور او را به سر میز غذا نمی آورند، درحالی که او به این مقصود آگاه نیست و آنچه بیش از همه به کودک ضرر می رساند و او را رنج می دهد بی اعتنایی به اوست.

عجیب ترین استعداد های کودک قدرت مشاهده و تقلید است او چیزها را طوری می بیند و درک می کند که ما تصورش را هم نمی توانیم بکنیم. ما برای توجه کودک شکلک درمی آوریم خطوط چهره‌مان را دگرگون می کنیم غافل از آنکه کودک کوچکترین حرکت لب را می بیند و به خاطر می سپارد. کودک در چند ماهگی به دقت به دهان کسی که حرف می زند نگاه می کند و حتی اگر به جای حرف زدن لب و دهان را حرکت دهد، باز کودک توجه می کند. این کاری است که کودک در چند ماهگی شیفته آن است و به این وسیله علاقه خود را به مشاهده ارضاء می کند، علاوه بر آن چون دیر با زود او هم باید یاد بگیرد که حرف بزند از طریق مشاهدهٔ دقیق به یادگیری می رسد. مشاهدهٔ سخن گفتن دیگری کاری است که برای کودک معنا و مفهوم واقعی دارد و او را خوشحال می کند و مهارت تقلید را پیشرفت می دهد.

طرفیت و استعداد کودک در درک و جذب اعمال و رفتار ما فوق العاده است و علاوه بر این که تصویری از اشیاء و اشخاص پیدا می کند ارتباط بین آنها را هم می فهمد. اگر به جسمان کودک چهارماهه دقت کنید به آشنایان نگاه آشنا می کند و اگر مهمانی که کمتر به نزد شما بیاید وارد شود طرز نگاه کودک تعبیر می کند

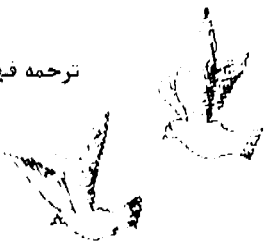


درونی کودک صدمه می زند و نیروئی که باید در جهت سازندگی بکار رود مصروف کشمکش درونی می شود و طرح شخصیت کودک را مختل می کند .

والدین بخاطر آینده فرزندشان باید از غرور و خودبینی و خشم بی موقع بپرهیزند و از نظر احساس و عاطفه آمادگی داشته باشند که کودک را در کارهای خود شریک کنند نه آنکه کودک را بیشتر اوقات بخوابانند تا خودشان از درد سر کودک خلاص شده بی کار خود بروند . بویژه که تعصب مخصوصی درباره خواب کودکان بکار می رود و مردم عقیده دارند که بچه هرچه بیشتر بخوابد بهتر است در حالی که این عقیده پایه علمی ندارد .

لازمه یادگیری دیدن و عمل کردن است و کودک از طریق مشاهده و تقلید به یادگیری می رسد . کودکی که بیشتر اوقاتش را در خواب و یا جدا از دیگران بگذراند چیزی نخواهد آموخت همانطور که کودکی که کر باشد نمی تواند حرف بزند .

ترجمه فهیمه دانشور



می تواند تصور درستی از آنها پیدا کند . بهتر است به کودک فرصت بدهید که از طریق تقلید تمرین درونی اش را تکمیل کند .

همانطور که جسم کودک به مراقبتهای بهداشتی نیاز دارد تا سالم و زنده بماند و بی توجهی نسبت به نیاز جسمی کودک را بیمار و رنجور می کند ، روح و روان کودک نیز به توجه و درک و احترام و آزادی نیازمند است و سهل انگاری در برآوردن نیازهای روحی به رشد شخصیت کودک آسیب می رساند .

درباره ای ممالک دانسته های قدیمی درباره کودکان نسل به نسل منتقل می شود که برخی از آنها درست و مفید است و باید حفظ شود . برای مثال یک پدر ژاپنی را دیدم که با طفلش دو ساله اش به راه پیمائی می رفت ، کودک ناگهان کنار پیاده رو نشست . پدر سراو داد نکشید و مانع او نشد بلکه صورانه منتظر شد تا بچه خودش بلند شود و به راه ادامه دهد . پدر شخصیت حاکم خودش را با احترام به عمل فرزند مخفی کرد . پدر دیگری را دیدم که با علاقه به کاری که فرزندش مشغول بود می نگریست و با وجود آنکه کودک چند بار کار را تکرار نمود ، پدر با همان علاقه و صبر به او توجه داشت . در مقابل ، والدینی هستند که با سرزنش و زور کاری را که کودک مایل به انجامش نیست از او توقع دارند و یا با زور کودک را از کار مورد علاقه اش باز می دارند . مادری با فرزندش در خیابان بودند و از طرفی صدائی می آمد کودک می خواست بایستد و گوش بدهد اما مادر توجه نداشت و او راه زور وادار به حرکت می کرد و خلاصه بچه را گریه کنان همراه خود می کشید . اجبار و زور به جریان ساختمان

وبیمارستان‌ها و مساجد انحام می‌گیرد از اسراف و تبذیر برکنار است . به این وسیله کوشیده شده تا مردم در انحام امور خیریه ساعی و تلاشگر بوده ، بانحام اینگونه کارها علاقه‌مند و راغب باشند و بدون اینکه دچار وسوسه و تشویش خاطر گردند ، در انحام امور عام المنفعه مشارکت نمایند .

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید :

مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذَّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ .

هرکه چیزی را در غیر طاعت و پیروی از دستورات پروردگار متعال انحام دهد اسراف‌کار خواهد بود و هرکه در راه خدا و امور خیریه و عام المنفعه چیزی را انفاق نماید میانه‌رو و معتدل است . دریایان فراموش ننمائیم که از این روایت استفاده می‌شود که اگر سرسوزنی در راه غیر خدا مصرف شود جزء اسراف خواهد بود و اگر میلیون‌ها تومان در راه خیر و عام المنفعه خرج گردد جزء اسراف و تبذیر محسوب نشده انحام دهنده؛ چنین عملی مقتصد و میانه‌رو خواهد بود .



إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا " رَزَقَهُمُ الرِّقَقَ فِي الْمُعِيشَةِ وَحَسَنَ الْخُلُقِ خَدَاوَنَد وَتَنِي بَخَاوَد هَآئِ خَآر وَبَرَكَتْ دَهْد هَآئِ دُوخَصَلتْ رَا درمیان افراد آن خانواده بوحود می‌آورد : اول اعتدال و میانه روی در امر معیشت و زندگی و دوم خوش اخلاقی به اهل آن خانواده ارزانی می‌دارد .

از امام حسن عسکری علیه السلام این روایت نقل شده است : وَعَلَيْكَ بِالْاِقْتِسَادِ وَابْتِئَاكِ وَالْاِسْرَافِ فَاتَهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ : میان‌رو و معتدل بوده ، از اسراف کاری و تبذیر بیرهیز، چه این دواز عمل شیطانی نشأت می‌گیرد .

۴ - دریایان این مقاله به نکته چهارمی نیز اشاره می‌شود و آن اینکه هرگاه در غیر طاعت و پیروی از خدا چیزی به مصرف برسد چنین عملی جزء اسراف و تبذیر محسوب خواهد شد .

با این کار سعی شده که از ارتکاب امور ناروا و ممنوع جلوگیری بعمل آمده ، انسان‌ها بعنوان اینکه ارتکاب چنین اعمالی جزء اسراف و تبذیر قلمداد شده ، از آن خودداری نمایند . تمام کارهایی که در امور خیریه مثل ساختن مدارس

روزانه ، خود را با آگاهی کامل در خدمت سزندان قرار دهید و برای این موضوع برنامه طرح کنید .